

«تابوت عهد» از منظر قرآن و تورات

seyyedhadihoseini@yahoo.com

سیدعبدالهادی حسینی / کارشناس ارشد دین‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
دریافت: ۹۶/۳/۱۱ - پذیرش: ۹۶/۸/۲۹

چکیده

فرهنگ یهودیان با نمادهایی شکل گرفته است. این نمادها در حقیقت، تاریخ یهودیت را ساخته‌اند که در این میان، «تابوت عهد» از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا نسخه اصلی تورات، یعنی ده فرمان الهی، در این تابوت قرار داشته و موجب امنیت و آرامش خاطر بنی‌اسرائیل در جنگ‌ها بوده است. این تابوت نشانه‌ای برای پادشاهی طالوت از جانب خداوند و موجب رفع اختلاف این قوم در درگیری‌ها و نزاع‌ها بوده است. تابوت عهد تا پیش از خرابی معبد در سال ۵۸۶ ق.م توسط بخت‌النصر در اختیار بنی‌اسرائیل بوده، اما پس از آن مفقود گردیده و تاکنون اثری از آن بر جای نمانده است. این نوشتار با رویکردی توصیفی - تحلیلی و روشی تطبیقی به بررسی چگونگی شکل‌گیری این نماد دینی و اهمیت و جایگاه آن نزد بنی‌اسرائیل می‌پردازد و در این زمینه، از متون اصلی اسلام و یهودیت، یعنی قرآن و تورات، سود جسته است.

کلیدواژه‌ها: تابوت عهد، بنی‌اسرائیل، موسی (ع)، هارون (ع)، نماد، قرآن، تورات.

مقدمه

نمادهای دینی بیانگر ویژگی‌ها و مشخصات آن است. در نگاه آغازین به یک دین، این نمادها هستند که معرفت‌گویی از تاریخ، اعتقادات، باورها و آداب آن به‌شمار می‌روند. توجه به نمادها، ذهن را به سوی تاریخچه و علل پیدایش یک دین رهنمون می‌سازد.

یهودیت نیز از آن دسته ادیانی است که نمادهای بسیاری برای معرفی خود دارد؛ نمادهایی که نمایانگر یهودیت شده‌اند و تاریخ پرفرازونشیب این آیین را به روشنی نشان می‌دهند؛ مانند «منورا» (شمعدان هفت شاخه)، ستاره داود، و تابوت عهد که هر یک بخشی از تاریخ و باورهای این آیین وحیانی را بیان می‌کنند.

برای شناخت این نمادها، باید به دنبال چگونگی به‌وجود آمدن آنها در تاریخ بنی‌اسرائیل و جنبه‌های نمادشناسانه آنها بود. این نوشتار در نظر دارد از میان این نمادها، «تابوت عهد» و پیشینه تاریخی آن را شناخته، نقش آن را در فرهنگ و تاریخ یهودیت نشان دهد. در ارتباط با این نماد و علل پیدایش آن، بحث‌های زیادی نشده است. در میان منابع اسلامی، می‌توان به قرآن و تفاسیر گوناگونی همچون *نورالتقلین، المیزان، الدرالمثور، مجمع‌البیان* و کتاب‌های دائرةالمعارف اسلامی اشاره نمود. در آثار یهودیت نیز می‌توان از اسفار پنج‌گانه *کتاب مقدس، دائرةالمعارف یهودیت و سهیونیزم و دانش‌نامه جودائیکا* نام برد. اما همه این بحث‌ها و پژوهش‌ها به‌صورت یک‌جانبه و تک‌بعدی صورت گرفته و بررسی تطبیقی نسبت به این موضوع انجام شده است، از این رو، نوشتار حاضر کاری نو شمرده می‌شود.

این نوشتار بر آن است تا دیدگاه اسلام و یهودیت را نسبت به این نماد مهم یهودیت، به شکل تطبیقی و مقایسه‌ای بیان کند و نقاط اشتراک و اختلاف این دو آیین را نسبت به این نماد بررسی نماید. از این رو، معیار این بحث، متون اصلی و مقدس این دو دین، یعنی قرآن کریم و تورات است که مورد توافق تمامی پیروان آنهاست. مراد از تورات در این نوشتار، نخستین بخش از عهد عتیق، یعنی اسفار پنج‌گانه است.

یهودیت آیینی زنده و مطرح است و در میان ادیان ابراهیمی، قدیمی‌ترین دین به‌شمار می‌رود. بررسی نمادهای این دین می‌تواند کمک زیادی به شناخت آن بکند. در میان همه این نمادها، بی‌شک، «تابوت عهد» یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین آنها به‌شمار می‌رود

که اهمیت و جایگاه ویژه‌ای نزد یهودیان دارد. در قرآن کریم نیز در دو جا به این نماد اشاره شده است بقره: ۲۴۸؛ طه: ۳۹. آشنایی با آنچه در قرآن و تورات ذکر شده است، موجب نزدیکی هرچه بیشتر دین‌داران و پیروان آنها خواهد شد، و در عصری که تهاجمات شدیدی علیه ادیان آسمانی صورت می‌گیرد، تکیه بر نقاط اشتراک ادیان، سبب تقویت جبهه خداپاوران در برابر مخالفان می‌شود. بنابراین، ضروری است در راستای این هدف بزرگ، اقداماتی صورت گیرد که این نوشتار نیز همین مقصد را دنبال می‌کند.

درباره اینکه تابوت بنی‌اسرائیل و به عبارت دیگر، «تابوت یا صندوق عهد» چه بوده و به دست چه کسی ساخته شده و محتویات آن را چه چیزی تشکیل می‌داده، در روایات و تفاسیر اسلامی و همچنین در عهد عتیق (تورات)، سخن بسیار است. در ادامه، به این مطالب به نقل از قرآن و تورات اشاره می‌کنیم و پس از بررسی و تطبیق نکات ذکرشده در این دو منبع وحیانی، از مباحث مطرح‌شده نتیجه‌گیری خواهیم کرد.

مفهوم‌شناسی واژه «تابوت عهد»

الف) تابوت

درباره ریشه این واژه و تحول واژگانی و معنایی آن، آراء گوناگونی وجود دارد. برخی واژه «تابوت» و «تبت» یا «توتوت» را عبری و برگرفته از واژه «توب» به معنای «آنچه از آن بیرون آید، پیوسته به آن باز گردد» دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۱۷۹). برخی دیگر ریشه آن را «تبت» و بر وزن «فاعول» می‌دانند (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۷). قول دیگری آن را بر وزن «فعلوه» و اصل آن را «تابوه» دانسته است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۵۳). کلمه «تابوت» به معنای «صندوق» است و این واژه آن گونه که گفته‌اند صیغه «فعلوت» از ماده «توب» و به معنای «رجوع» است. اگر صندوق را «تابوت» گفته‌اند برای این است که صاحبش همواره و پی در پی به سراغ آن می‌رود و به آن رجوع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۷).

راغب اصفهانی آن را چیزی می‌داند که با چوب ساخته شده و در آن حکمت، علم، سکینه و آرامش است (راغب اصفهانی،

حضرت موسیؑ تکلم می کرد (خروج، ۲۵: ۲۲-۸). از آن فقط که تابوت معهود نشان حق بوده، به آن «شهادت الله» گفته شده و احتمالاً کلمه «تابوت شهادت»، که در دعای شریف «سیمات» آمده، همین تابوت محل بحث است که بر راستی بعث طالوت از سوی خداوند شهادت داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۶۵۹). این تابوت را حضرت موسیؑ یا مرحق از چوب «شطیم» ساخت و بر روی آن، تاج‌هایی از طلا بود و عصای حضرت موسی و الواح تورات در آن قرار داشت که تا زمان حکومت سلیمانؑ موجود بود (عمادزاده، ۱۳۷۴، ص ۵۵۸).

تابوت عهد در قرآن

در قرآن، دو بار این واژه به کار رفته است: یک بار در داستان به دنیا آمدن حضرت موسیؑ و قرار دادن او توسط مادرش در صندوق و سپردن آن به آب دریا که طی آن، همسر فرعون این صندوق را از آب گرفت. بدین سان حضرت موسیؑ در خانه دشمن خود، یعنی فرعون، رشد کرد و به سن جوانی رسید. این ماجرا در آیه ۳۸ و ۳۹ سوره طه آمده است.

بار دیگر در جریان برگزیده شدن طالوت (شائول) از سوی خداوند به فرمان‌روایی در میان قوم بنی‌اسرائیل و اعطای تابوت عهد به این قوم به نشانه پادشاهی طالوت و منصوب بودن او از سوی خداوند، که قرآن این واقعه را اینچنین بیان می‌کند: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنتُمْ مُّؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۴۸).

با مراجعه به برخی از تفاسیر و بررسی آراء و نظرات مفسران، معلوم می‌شود که این تابوت، همان صندوقی است که خداوند برای مادر حضرت موسیؑ فرستاد تا فرزندش را در آن بگذارد. سپس آن صندوق را به دریا افکند و این تابوت نزد بنی‌اسرائیل بسیار گرامی و با ارزش بود و به آن تبرک می‌جستند (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۲؛ شبیر، بی‌تا، ص ۷۷؛ عروسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۶؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۴). برخی از روایات نیز این معنا را تأیید می‌کند؛ چنان‌که امام باقرؑ فرمودند: «و کان التابوت الذی أنزل الله علی موسی فوضعته فیهِ أمه و ألقته فی الیم» (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸).

بخش دیگری از این منابع تفسیری در بیان پیدایش و

عده‌ای از اهل لغت نیز آن را صندوقی از چوب یا آهن یا سنگ دانسته‌اند که نقش‌ها و صورت‌هایی بر روی آن قرار دارد (انیس و دیگران، ۱۴۰۸، ص ۸۱).

ب) عهد

ریشه این واژه «ع ه د» است که به معنای احتفاظ (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۶۷) و وصیت (فراهیدی، ۱۴۱۴، ص ۳) و نگه‌داری پیوسته از چیزی است. اما هریک از این معانی برحسب اقتضا، می‌تواند در معنای عهد به کار رود. می‌توان گفت: «عهد» در اصل، به معنای «احتفاظ» است و همه معانی آن از یک معنا مشتق شده است؛ مانند «عهد» به معنای «سوگند، وصیت، میثاق، دیدار و امثال آن» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۷). «عهد» ترجمه واژه عبری «بریت» است که «میثاق» نیز ترجمه می‌شود، و آن پیمانی است که با آزادی کامل میان طرفین منعقد می‌گردد (مسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۷۴)؛ همچون عهدی که خداوند با حضرت ابراهیمؑ بست و این پیمانی بین خدا و یک انسان بود (هاکس، ۱۳۷۷، ص ۶۲۵).

ج) تابوت عهد

صندوق یا «تابوت عهد» به صندوقچه‌ای اشاره دارد که در بردارنده دو لوح شریعت است (مسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۳۶). این دو لوح از سنگ ساخته شده و بر روی آن ده فرمان خداوند به حضرت موسیؑ نقش بسته است (خروج، ۳۱: ۱۸؛ ۳۲: ۱۵، ۱۶). به روایت تورات (خروج، ۳۲: ۲۰-۱۶؛ تثویه، ۱۰: ۳-۱)، حضرت موسیؑ دو لوح را به عنوان عهد میان خداوند و قوم اسرائیل تحویل گرفت که فرامین ده‌گانه با انگشت الهی بر آنها نقش بسته بود. اما پس از آنکه حضرت موسیؑ از ارتداد و گوساله‌پرستی قومش آگاه شد، آن دو لوح را شکست. خداوند قوم برگزیده را بخشید و از حضرت موسیؑ خواست دو لوح دیگر جایگزین آنها سازد. به این موضوع، در آیه ۱۵۴ سوره اعراف نیز اشاره شده است. حضرت موسیؑ هم این دو لوح را در صندوقچه‌ای گذاشت و هیچ کس نمی‌داند که بر سر این دو لوح چه آمد (مسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۳۶).

این تابوت نام‌های دیگری هم دارد که در عهد عتیق به آن اشاره شده است: «تابوت سکینه یا تابوت شهادت» که به روایت تورات، حضرت موسیؑ آن را به فرمان خداوند ساخت و خدا از فراز آن با

لباس‌هایش، در آن نهاد و به وصی خود، یوشع بن نون سپرد (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۴؛ مجلسی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۳، ص ۴۳۸). برخی معتقدند: آثار برجای مانده از آل موسی و هارون در این تابوت قرار داشت که شامل عصای حضرت موسی^ع، پاره‌های الواح تورات، قسمتی از لباس‌های حضرت موسی^ع و نیز نشانه‌هایی از انبیای پیشین بود (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۲؛ عروسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۷). ناگفته نماند که آل هر کس، اهل بیت اوست که خود او را هم شامل می‌شود. پس آل موسی و هارون عبارت است از: خود حضرت موسی و هارون و اهل‌بیت آن دو (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۴۱).

برخی علاوه بر نکات مزبور، لباس و عصای هارون و امر به جهاد و کشتن دشمنان بنی‌اسرائیل را نیز از محتویات تابوت عهد بر شمرده‌اند (انصاری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۲۵۰). گروه دیگری از مفسران، نعلین و کفش‌های حضرت موسی^ع و عمامه هارون و مقداری از غذایی را که خداوند در صحرای سینا و در جریان سرگردانی بنی‌اسرائیل بر آنان فرو فرستاده بود (من) نیز از محتویات این تابوت ذکر کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱-۲، ص ۶۱۴؛ بیضاوی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۳۰). برخی نیز بر این باورند که داخل این تابوت، عصا و لباس حضرت موسی و هارون، دو لوح تورات، «من»، همچنین کلمه فرج «لا إله إلا الله الحليم الكريم و سبحان الله رب السموات السبع و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين»، عمامه هارون، و قبای او، که نشانه‌ای برای اسباط بنی‌اسرائیل به‌شمار می‌رفت، قرار داشت (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۴۱).

ج) «سکینه» و معنای آن

می‌توان گفت: مهم‌ترین ویژگی تابوت عهد، ایجاد روحیه و آرامش در میان بنی‌اسرائیل بوده که در قرآن از آن به «سکینه» تعبیر شده است. این کلمه به معنای سکون و خلاف حرکت است و در خصوص سکون و آرامش قلب استعمال می‌شود و معنایش قرار گرفتن دل و نداشتن اضطراب باطنی در تصمیم و اراده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۳۸). ممکن است از کلام خداوند استفاده شود که مراد از «سکینه»، روحی است الهی و امری است از سوی او که موجب آرامش و استقرار نفس و محکمی دل می‌شود و این توجیه باعث نمی‌گردد که کلام از معنای ظاهری‌اش خارج شود

سرگذشت تابوت یا صندوق عهد بسیار مختلف سخن گفته‌اند. برخی آن را فرود آمده از بهشت در زمان هبوط حضرت آدم^ع می‌دانند که صورت پیامبران در آن نقش بسته بود و هریک از پیامبران تا زمان حضرت یعقوب^ع - و پس از آن در میان بنی‌اسرائیل - آن را به پیامبر بعدی می‌رسانده است (بیضاوی، ۱۳۸۸ق، ص ۱۳۰؛ انصاری، ۱۳۷۶ق، ص ۲۴۸؛ رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۵). برخی دیگر تابوت را ساخته خود حضرت موسی^ع و به فرمان خدا می‌دانند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱-۲، ص ۳۱۴).

ویژگی‌ها و اوصاف تابوت عهد

الف) اندازه و جنس

از دیدگاه بیشتر کتب تفسیر قرآن و آراء مفسران، اندازه طول این تابوت ۳ ذراع و عرض آن ۲ ذراع بوده است (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۲؛ عروسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۰؛ انصاری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۲۴۸؛ رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۸). برخی از محققان طول و ارتفاع آن را ۱/۵ و عرض آن را ۲/۵ ذراع دانسته‌اند (عمادزاده، ۱۳۷۴، ص ۵۵۷). این تابوت از چوب شمشاد ساخته و با طلا زینت داده شده بود (رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۸؛ بیضاوی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۳۰؛ مهدوی، ۱۳۶۵، ص ۱۹). حضرت موسی^ع وقتی از میقات و شفاعت قوم بنی‌اسرائیل فراغت یافت، تصمیم گرفت صندوقی را که سایر پیامبران از چوب می‌ساختند و به نام «تابوت عهد» بود، از طلا بسازد. از این‌رو، به مردی به نام بصلیل، که زرگری توانا بود، دستور داد تا صندوقی از چوب شمشاد بسازد و داخل آن را با ورق‌های طلا بپوشاند. علاوه بر این، تختی از طلای ناب به نام «تخت مرحمت» ساختند و دو فرشته زرین را که روبه‌روی هم بودند نیز نصب کردند که بال و پر آنها تمام تخت را فراگرفته بود (عمادزاده، ۱۳۷۴، ص ۵۵۷؛ مهرین شوشتری، بی‌تا، ص ۱۱۹).

ب) محتویات و اجزا

در داخل این تابوت، اشیایی گران‌بها و مقدس وجود داشت که در این بخش به آنها اشاره می‌شود:

عده‌ای بر این باورند که حضرت موسی^ع در واپسین روزهای عمر خویش، الواح مقدس تورات را، که احکام خداوند بر آن نوشته شده بود، به ضمیمه برخی از یادگاری‌ها، همچون زره، عصا و

در برخی منابع تفسیری و روایی و به نقل از امام رضا^ع آمده که «سکینه»، روح خداوند است که سخن می‌گفت؛ هرگاه بنی‌اسرائیل درباره مسئله‌ای اختلاف می‌کردند، خداوند آنان را هدایت می‌کرد و با آنها سخن می‌گفت و بدین‌سان، حقیقت را برایشان بیان می‌کرد (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۲؛ عروسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵۰). همچنین این قوم هنگام مبارزه و جهاد با دشمنانشان، این تابوت را در جلوی سپاه حرکت می‌دادند و هرگز عقب نشینی نمی‌کردند؛ یا می‌کشتند و یا کشته می‌شدند (عروسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۷). از امام رضا^ع نقل شده که «سکینه»، بادی است خوش، و از بهشت خارج می‌شود و صورتی همچون صورت انسان دارد و با پیامبران است، و همان است که بر حضرت ابراهیم^ع در هنگام ساخت کعبه نازل شد و به او کمک کرد و حضرت ابراهیم^ع کعبه را به آن پایه، بنا نمود (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۴۷۱).

د سایر ویژگی‌ها

افزون بر خصوصیات که ذکر شد، این تابوت ویژگی‌های دیگری نیز داشت؛ از جمله:

دست زدن به آن، گناه محسوب می‌شد. بنابراین، برای جابه‌جایی و حرکت دادن آن، چوبی را از حلقه‌هایش عبور داده بودند و حمل‌کنندگان دو طرف چوب را گرفته، آن را حرکت می‌دادند (آبادانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۳). همواره این تابوت میان بنی‌اسرائیل گرامی بود، تا اینکه به آن بی‌حرمتی کردند و بازیچه دست کودکان قرار گرفت. بنی‌اسرائیل تا وقتی که تابوت نزدشان بود، از عزت و شرف برخوردار بودند؛ اما هنگامی که به گناه آلوده شدند و به تابوت بی‌اعتنایی کردند، خدا آن را از آنان گرفت، تا زمانی که طلوت را به فرمان‌دهی آنها برگزید و نشانه ملک او را همین تابوت قرار داد و آن را به آنها بازگرداند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۶۲).

یکی دیگر از خصوصیات مهم این تابوت، حمل و حفاظت آن توسط فرشتگان الهی است که در آیه محل بحث نیز به خوبی بدان اشاره شده است (بلاغی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۴۱۱).

ه) تاریخچه و سرنوشت تابوت عهد

با تورق در صفحات به‌جامانده از تاریخ، درمی‌یابیم که بنی‌اسرائیل - این قوم پیچیده و درخور تأمل - فراز و نشیب‌های متعدد، همراه با

(همان، ص ۴۴۰). خداوند، که مبدأ فاعلی بالأصله است، سکینه را فرومی‌فرستد و قلب مؤمن، که مبدأ قابل پذیرش سکینه است، آن را دریافت می‌کند. فرشتگان و نیروهای الهی نیز مبادی قریب سکینه‌اند و آن را در قلب مؤمنان جای می‌دهند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (فتح: ۴). در آیه محل بحث نیز «سکینه» اشاره به مبدأ فاعلی آن دارد؛ چنان که در بعضی آیات دیگر، از اصل انزال سکینه و جاسازی آن در قلب رسول اکرم^ص و مؤمنان سخن به میان آمده است: «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (فتح: ۲۶)؛ «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا» (فتح: ۱۸) (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۵۵).

«سکینه» از ماده «سکون»، اسم مصدر و به معنای «آرامش» است؛ مانند بقیه، قضیه و عزیمه. منظور از آن در این آیه، آرامش دل و جان است (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۲؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۵)؛ یعنی در این تابوت، چیزی است که موجب سکون نفس، قوت قلب، ثبات قدم و غلبه بر دشمنان دین می‌شود؛ مانند قرآن، دعاها و حرزهای مأثور (طیب، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۷).

برخی معتقدند: «سکینه» قلب تابوت عهد است و مراد از آن «علم، اخلاص، وقار و آرامش است» (بیضاوی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۳۰). «سکینه» همان طمأنینه، احساس امنیت و قوت قلبی است که خداوند آن را در این تابوت، قرار داد تا به وسیله آن، قوم بنی‌اسرائیل احساس آرامش و امنیت کنند. در واقع، این تابوت به منزله پرچم بزرگی برای ایجاد روحیه در جنگ‌ها بود (طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱-۲، ص ۶۱۴؛ بلاغی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۴۱۰). گروهی نیز بر این باورند که «سکینه» صورتی از یاقوت زرد است که دو بال و سر و دمی مانند سر و دم گربه دارد. از معصوم^ع روایت شده که در آن رایحه‌ای بهشتی است و صورتی مانند صورت انسان دارد (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۳۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱-۲، ص ۳۱۷؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۳؛ شیر، بی‌تا، ص ۷۷). برخی آن را بر وزن «فعیله» و به معنای «طمأنینه» می‌دانند و می‌گویند: هرجا تابوت بود، بنی‌اسرائیل هم به واسطه آن، تسلی و آرامش می‌یافت. «سکینه» یعنی: رحمتی از جانب خداوند (رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۸).

می‌خوردند و فرزندانشان به اسارت گرفته می‌شدند (عروسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۶). دشمنان بنی‌اسرائیل «عمالقه» نام داشتند که فرقه‌ای از قوم عاد بودند و در منطقه «أریحا»، که بخشی از بیابان تیه بود، زندگی می‌کردند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱-۲، ص ۳۱۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۲).

مورخان موضوع برگشتن تابوت به بنی‌اسرائیل را چنین نقل کرده‌اند که وقتی دشمنان، تابوت را غارت کردند، آن را به بت‌خانه خود آوردند و در محلی گذاشتند و بدان استخفاف نمودند، تا جایی که آن را در سرگین‌دانی قرار دادند و به همین خاطر، همه آنها به مرض بواسیر دچار شدند (مهدوی، ۱۳۶۵، ص ۱۹). پس از مدتی دردی در گردن خود احساس کردند و دانستند که اثر این تابوت است. به ناچار، جای آن را تغییر دادند، اما هر جا تابوت را می‌بردند بلا، وبا و مرگ شیوع پیدا می‌کرد. از این رو، درصدد برآمدند تا آن را به بنی‌اسرائیل بازگردانند و از محل زندگی‌شان خارج کنند. آن را روی تختی گذاشتند و بر پشت دو گاو بستند و گاوها را رها کردند. فرشتگان الهی آمدند و گاوها را به سوی بنی‌اسرائیل سوق دادند. بدین سان، تابوت عهد به میان قوم بازگشت (رسولی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۹؛ مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۵ و ۱۷۴، رازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۵؛ زمخشری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۳؛ طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱-۲، ص ۶۱۵). این قصه سند قطعی قرآنی ندارد و از سوی روایات صحیح نیز تأیید نشده، بلکه حتی خلاف ظاهر جمله «تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ» (بقره: ۲۴۸) است که حمل را به فرشتگان نسبت داده است. از این رو، بی‌اعتبار است. اما حمل تابوت به وساطت فرشتگان، به معنای هدایت، قیادت یا سوق و مانند آن هم معقول و مقبول است؛ مانند حمل ابرهای باران از جایی به جای دیگر. بنابراین حمل تابوت نظیر حمل ابر ممکن خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۶۵۶ و ۶۵۷).

این جریان مقارن بود با درخواست عده‌ای از بنی‌اسرائیل از یکی از پیامبرانشان به نام سموئیل مبنی بر نجات و رهایی آنان از بدبختی‌ها و گرفتاری‌ها، تا زندگی آسوده‌تری داشته باشند. آنان از سموئیل خواستند که پادشاهی برایشان انتخاب کند تا اوضاع آنها را سروسامان بخشد و بر دشمنانشان پیروز شوند. سموئیل از خدا درخواست کرد تا فردی شایسته را برای رهبری قوم برگزیند و او را معرفی نماید. آیه ۲۴۸ سوره بقره به همین جریان اشاره دارد

جنگ‌های خانمان سوز را پشت سر گذاشته که حاصل آن غارت اموال، نابودی معابد، کشته شدن انسان‌های بی‌شمار و نیز مفقود گشتن تابوت عهد بوده است؛ همان صندوقچه بالارزشی که نسخه اصلی تورات در آن نگهداری می‌شد. در منابع اسلامی و به‌ویژه در کتب تفسیری، درباره چگونگی پیدایش و سرنوشت این تابوت، بحث‌های تقریباً مشابهی صورت گرفته است که در این بخش به آن اشاره می‌کنیم:

همان گونه که ذکر شد، از دیدگاه برخی مفسران و بخشی از احادیث اسلامی، تابوت عهد همان صندوقی است که مادر حضرت موسی علیه السلام او را در آن گذاشت و به دریا افکند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۵۳) و هنگامی که به وسیله کارگزاران فرعون از دریا گرفته شد، همچنان در دستگاه فرعون نگهداری می‌شد و سپس به دست بنی‌اسرائیل افتاد و آنها این صندوق خاطره‌انگیز را محترم می‌شمردند و به آن تبرک می‌جستند (مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۴). این صندوق پیش از حضرت موسی علیه السلام نیز قداست داشته؛ زیرا در خطاب به مادر آن حضرت، کلمه «تابوت» با «ال» تعریف آمده است: «أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ». در هنگام این محاوره، تابوت خاصی نیز مطرح نبوده تا «التابوت» اشاره به آن موجود عینی باشد، پس مقصود همانا معهود قدسی است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۶۵۳).

تابوت عهد نعمتی از نعمت‌های بی‌شمار خداوند به بنی‌اسرائیل بود و همیشه همراه این قوم بود و به آنها قوت قلب و ثبات قدم می‌بخشید و آثار عجیبی داشت. هرگاه آنها می‌خواستند با دشمنان خود بجنگند، این صندوق را پیشاپیش لشکر و در صفوف مقدم قرار می‌دادند و در این حال، قلب آنان از دلهره و اضطراب آسوده می‌شد و در عوض، میان دشمنانشان ترس و اضطراب ایجاد می‌کرد (جادالمولی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۷). تا زمانی که این تابوت نزد بنی‌اسرائیل بود، از عزت و عظمت برخوردار بودند؛ ولی به علت بی‌اعتنایی نسبت به آن و نیز تضعیف مبانی اعتقادی‌شان، دشمنان بر آنها تسلط یافتند و تابوت را از ایشان ربودند و به غارت بردند (آلوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۳).

این بی‌بندوباری‌ها به حدی رسید که تابوت مقدسی را که هیچ‌کس حق نداشت حتی آن را لمس کند و به آن دست بزند، ابزار دست کودکان شده بود. در نتیجه، کار به جایی رسید که تفرقه و اختلاف در میان آنان گسترش یافت و پی‌درپی از دشمنان شکست

ویژگی‌ها و خصوصیات تابوت عهد

در تورات، جزئیات ساخت این تابوت به خوبی از سوی خداوند بیان شده که این نشانگر اهمیت این موضوع است. اینک برخی از این مشخصات:

الف) «سکینه» و معنای آن

به تابوت عهد، «تابوت شهادت» یا «صندوق سکینه» نیز گفته می‌شود (خروج، ۳۰: ۲۶). برخی «سکینه» را واژه‌ای دخیل در عربی و برگرفته از واژه «شکینه» در زبان عبری می‌دانند که در ترجمه آرامی عهد عتیق به آن، «ترگوم» می‌گویند. «شکینه» در فلسفه یهودی، به مثابه میانجی الهی در میان خدا و جهان است که نشان‌دهنده حضور و تجلی خدا در میان مردم است که خداوند از میان فرشتگان، مشیت خود را اعلام می‌کند. «روشنائی مقدس» و «فروغ الهی» نیز از دیگر مفاهیم «سکینه» است (موسوی بخوردی، ۱۳۸۵، ج ۱۴، ص ۱۸۰؛ الیاس، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۱۰۸).

ب) اندازه و جنس

تابوت عهد، صندوقی از چوب اقاویا و از داخل و خارج به طلا آغشته بود (الیاس، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۱۰۸؛ خروج، ۲۵: ۱۱). طول این تابوت ۲/۵ و عرض و ارتفاع آن ۱/۵ ذراع بود (خروج، ۲۵: ۱۰؛ بن‌سیسن، ۱۹۹۶، ص ۴۶۰؛ عبدالملک و دیگران، ۱۹۹۵، ص ۲۰۹). ساخت این تابوت به حضرت موسی و «بصئیل» نسبت داده شده است (تثنیه، ۱۰: ۴؛ خروج، ۳۷: ۲، ۳).

ج) محتویات و اجزا

دو لوح سنگی، که بر روی آن میثاق الهی با قوم بنی‌اسرائیل منقوش بوده است (ناس، ۱۳۹۰، ص ۴۹۷) و به آن «تابوت عهد خداوند» گفته می‌شود در این تابوت قرار داشته است؛ زیرا ده فرمان اساس و پایه عهد میان خدا و بنی‌اسرائیل بوده است (الیاس، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۱۰۸). علاوه بر این دو لوح، عصای هارون و «من» را نیز از محتویات تابوت برشمرده‌اند (عبدالملک و دیگران، ۱۹۹۵، ص ۲۰۹).

د) سایر ویژگی‌ها

خداوند وصایا را برای حضرت موسی نوشت و به او داد. این وصایا

(جادالمولی، ۱۳۷۹، ص ۲۲۸). سموئیل هم طالوت را، که منصوب خداوند بود، به فرمان‌دهی بنی‌اسرائیل گماشت؛ اما باز هم این قوم بهانه‌گیر، نافرمانی کردند و پادشاهی طالوت را نپذیرفتند. آنها دلیل خواستند. پیامبرشان گفت: نشانه پادشاهی او و دلیل منصوب بودن او از سوی خداوند، بازگشت تابوت عهد به میان ایشان است. از جمله «یأتیکم» استفاده می‌شود که تابوت در آن زمان نزد بنی‌اسرائیل نبوده است (طیب، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۶ و ۵۰۷). از سیاق آیه محل بحث هم به دست می‌آید که این جریان، واقعاً اتفاق افتاده و این تابوت به بنی‌اسرائیل بازگشته و آنان به پادشاهی طالوت یقین پیدا کرده بودند (سیدقطب، ۱۳۸۶ ق، ج ۱، ص ۳۹۲).

طالوت از میان جوانان قومش، هفتاد هزار تن را برای مبارزه با دشمنان آماده کرد و به جنگ عمالقه رفت (بیضاوی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱، ص ۱۳۰). بنی‌اسرائیل در این جنگ، به پیروزی رسیدند. این پیروزی‌ها و افتخارات ادامه داشت. پس از طالوت، داود به فرمان‌دهی رسید. او تابوت عهد را به اورشلیم برد و آنجا را پایتخت خود اعلام نمود. پس از او فرزندش سلیمان رهبری این قوم را برعهده گرفت. او معبد بزرگی (هیکل) بنا نهاد که قبله‌گاه یهودیان شد (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۵۰ و ۴۹). تابوت عهد تا ویرانی معبد به دست «بختنصر» در سال ۵۸۶ ق.م باقی بود، اما پس از آن دیگر اثری از آن بر جای نبود و به غارت رفت. برخی از مفسران عقیده دارند که تابوت عهد و عصای حضرت موسی در دریای طبریه است و قبل از روز قیامت از آنجا خارج می‌شود (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱-۲، ص ۳۱۴). در روایات آمده است که تابوت عهد حضرت موسی نزد اهل بیت است (ر.ک: مفید، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۲ و ۱۸۱). ما مسلمانان معتقدیم که این تابوت نزد امام زمان است و برهان ایشان برای قوم یهود، آوردن تابوت عهد خواهد بود؛ همان‌گونه که این تابوت، برهانی بر منصوب بودن طالوت از سوی خداوند بوده است.

تابوت عهد در تورات

در تورات و در سفر «خروج» و «تثنیه» آن، مطالبی درباره این تابوت ذکر شده است. تابوت یا صندوقچه پیمان و میثاق الهی جعبه مقدسی است که تعدادی اشیای مقدس در آن قرار داشت و به عنوان سلطنت دنیوی خداوند تلقی می‌گردید (ویر، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۸۹).

خواهند شد (پیدایش، ۱۷:۲). نکته اصلی این عهد، اعطای تمام این سرزمین به صورت ابدی و همیشگی به حضرت ابراهیم^ع و نسل اوست (همان، ۱۷:۷، ۹). این در حالی است که عهد خداوند با حضرت موسی^ع، ظهور شریعت الهی بود که با بعثت حضرت موسی^ع و دریافت الواح در طور سینا عملی شد (خروج، ۱۹:۳-۸). چگونگی استعمال واژه «عهد» در تورات، نشان‌دهنده التزام بنی‌اسرائیل از سوی خداوند به عبودیت و شریعت است؛ به گونه‌ای که حتی اعطای سرزمین به آنان، مشروط به اطاعت از اوامر الهی است (تثنیه، ۲۰:۷-۸). بنابراین، هرگاه این اطاعت به عصیان تبدیل شود، دیگر سرزمینی هم در کار نخواهد بود و برگزیده بودن این قوم نیز مشروط به انجام کارهای نیک بوده است (مسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۷۴).

پس از آنکه حضرت موسی^ع و بنی‌اسرائیل از ماجرای کوه سینا و دریافت الواح فارغ شدند، به راه خود ادامه دادند؛ اما چون معتقد بودند که خدای یهوه همواره ایشان است، لازم بود که به وسیله‌ای بین خود و او ارتباط برقرار سازند. آنها مانند گذشتگان خود عمل کرده، محلی خاص برای ملاقات قوم با یهوه تعیین نمودند و معبدی بنا نهادند تا همه افراد بتوانند او را عبادت کنند. بدین منظور، خیمه‌ای مخصوص برای این کار ساختند و آن را «خیمه عهد» نامیدند (ناس، ۱۳۹۰، ص ۴۹۷). این خیمه به یاد آن واقعه، یعنی تجدید عهد خدا با قوم برگزیده‌اش تعبیه شده بود که با مراسم و تشریفات خاصی آن را همراه خود می‌بردند (زرین کوب، ۱۳۶۹، ص ۱۶۳-۱۶۴). عبرانیان در هنگام فرود آمدن در هر مکانی، این خیمه را با رعایت آداب و احترام، در پیشاپیش اردوگاه برپا می‌کردند. حضرت موسی^ع به درون آن می‌رفت و به سکوت و انقطاع تمام، کلام یهوه را استماع می‌کرد (ناس، ۱۳۹۰، ص ۴۹۷؛ آبادانی، بی تا، ج ۲، ص ۵۹۱). به همین علت است که به حضرت موسی^ع لقب «کلیم الله» داده‌اند. در واقع، می‌توان گفت: ایجاد این مکان، پایه و اساس اجتماعی است که در آینده شکل گرفت (عید، ۱۹۹۸م، ص ۱۴).

تابوت عهد در داخل همین خیمه قرار داشت؛ تابوتی که بعدها در تاریخ بنی‌اسرائیل، نقش مهم و آثار بزرگ و حیاتی داشت. این صندوق با احترام فراوان در اراهه‌ای نهاده و پیشاپیش آنان حرکت داده می‌شد و حتی در جنگ‌ها آن را با خود می‌بردند و از آن فیض و

همان عهد خداوند با قوم برگزیده‌اش بود. بنی‌اسرائیل آن عهد را در خزانه‌ای قرار دادند و آن را با محمل‌های خود حمل می‌کردند (تورکمانی، ۲۰۰۵، ص ۲۴۴). هیچ‌کس، بجز طبقه کاهنان و ربانیان تقدیس شده حق نداشت حتی به چوب این تابوت دست بزند (خروج، ۳۰:۲۹)، تا چه رسد به رؤیت یا لمس تورات درون آن. اگر کسی مرتکب چنین گناهی می‌شد روحی قادر و توانا، که در درون آن نهفته بود، او را هلاک می‌کرد (ناس، ۱۳۹۰، ص ۴۹۷).

طرح تابوت عهد بر اساس هیکل‌های مصری که تابع الهه اوزیرس بودند، ساخته شد. این تابوت چهار گوشه طلایی به شکل «ابوالهول» داشت که شبیه حیوانات نمادینی بود که حزقیال نبی به آن اشاره کرده است. یکی از آنها سری به شکل شیر، دومی سر گاو، سومی سر کرکس و چهارمی سر انسان داشت (عید، ۱۹۹۵م، ص ۱۶). این طراحی به گونه‌ای بود که کاهنان توراتی همان راه و رسم کاهنان مصری را در پیش گرفتند، حتی در پوشیدن لباس و راه‌های برگزاری مراسم و شعائرشان نیز تحت تأثیر آنها بودند (تورکمانی، ۲۰۰۵، ص ۲۴۴).

وجه تسمیه تابوت عهد

این صندوق براساس متن تورات، «تابوت عهد» نامیده شده است؛ زیرا مشهور است که حضرت موسی^ع الواح سنگی حاوی ده فرمان الهی را، که در کوه سینا دریافت کرده بود، به فرمان خداوند در این صندوق نهاد. این در حالی است که بنا بر تورات، حضرت موسی^ع به لایوانی که تابوت عهد را حمل می‌کردند، می‌گوید: تورات، و نه الواح را در کنار تابوت عهد بگذارید (تثنیه، ۳۱:۲۶-۲۷). اما خودش در گذشته، الواح عهد را در صندوقی با مشخصاتی دیگر، که خودش ساخته بود، قرار داده بود (تثنیه، ۱۰:۵-۱). به نظر می‌رسد که جز آیات ۵-۱ باب ۱۰ سفر «تثنیه»، مراد از تمام اشارات عهد عتیق، همان تابوت اولیه ساخته بصلئیل است که نخستین بار در سفر «خروج»، باب ۲۵ از آن یاد شده است و همواره در میان بنی‌اسرائیل حضور داشته تا آنکه سلیمان^ع آن را در هیکل قرار داد.

پیشینه و سرگذشت تابوت عهد

تاریخ قوم یهود با حضرت ابراهیم^ع آغاز می‌شود. خداوند او را به سرزمین کنعان فرا خواند و به او وعده داد که فرزندانش ملتی بزرگ

به هر شکلی که بود، آن را از محل زندگی‌شان خارج کردند. این تابوت توسط فرشتگان به ملتی که از هم گسیخته شده بود و شریعت در میان آنان کمرنگ گشته بود، بازگشت و نشانه‌ای برای پادشاهی طاوت (شائول) شد (همان، ص ۲۱۷).

پس از او، داود^ع به پادشاهی منصوب شد. او شهر اورشلیم را از ییوسیان گرفت و تابوت عهد را به فرمان خدا به پایتخت خود منتقل کرد (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۸-۹۹). پیش از آن، تابوت در خانه کاهنی به نام *آیناداب* در دهکده «بعله پهودا» نگهداری می‌شد (ولپسی کلاپرمن، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۲). داود^ع برای حفاظت از تابوت، که به اورشلیم آورده می‌شد، سی هزار مرد گماشته بود و برای استقرار آن، در مرکز شهر، خیمه‌ای برپا کرده بود (همان، ص ۱۱۴). نخستین تلاش برای حرکت دادن آن به خاطر حادثه‌ای با شکست مواجه شد و ورود تابوت، سه ماه به تأخیر افتاد. در این مدت، تابوت در خانه *عوبید آدم* حتی از اهالی فلسطین بود (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۸-۹۹؛ بن‌سیسن، ۱۹۹۶، ص ۴۶۴). سرانجام، تابوت عهد با تشریفات و شکوه خاصی به اورشلیم آورده شد، درحالی‌که داود^ع و قوم بنی‌اسرائیل خوشحال بودند و با انواع آلات چوب سرو و بریط و دف و دهل و سنج، به شادمانی در حضور خداوند پرداختند (بن‌سیسن، ۱۹۹۶، ص ۴۵۹).

پس از داود^ع، فرزندش سلیمان^ع با حمایت‌های *ناتان نبی* و *صادوق کاهن* جانشین او شد (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۵۰). او بعد از بنای هیکل یا همان معبد، تابوت عهد را در آن قرار داد که رمز مقدسی برای عبرانیان قدیم بود و قبل از بنای هیکل، در خیمه بزرگی قرار داشت و از جایی به جایی دیگر برده می‌شد (فتاح، ۱۹۹۷، ص ۳۸).

دوران پادشاهی داود^ع و سلیمان^ع اوج قدرت و اقتدار بنی‌اسرائیل در تاریخ دینی‌شان بود. این رویداد تاریخی لطف خدا بود که تفسیر دینی آن، تحقق عهد مکتوبی است که خداوند در گذشته با این قوم، بسته، و آن وعده سرزمین مقدس است. حکومت این دو تن دلیلی بر توجه و عنایت خداوند به این قوم بوده است.

برخی از صاحب‌نظران معتقدند: عهدی که از سوی خدا به ابراهیم^ع داده شده بود، در زمان داود^ع و سلیمان^ع محقق شد. این دو تن از شرایط به وجود آمده برای برقراری شریعت و احکام دینی برای نجات قوم خویش، بهره‌برداری کردند. از این‌رو، برخی اعمال

امداد می‌جستند (ناس، ۱۳۹۰، ص ۴۹۷؛ آبادانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۹۱). پس از وفات حضرت موسی^ع، وصی او یوشع‌بن‌نون رهبری قوم را بر عهده گرفت. بدین‌سان، دوره داوران بنی‌اسرائیل آغاز شد. او توانست آرزوی دیرینه قوم را تحقق بخشد و سرزمین کنعان را تصرف کند (طاهری، ۱۳۹۰، ص ۴۴). اما به تصریح سفر «داوران»، خداوند تمام اقوام مخالف بنی‌اسرائیل و ساکنان کنعان را به دست یوشع نابود نکرد و برخی را نگه داشت تا نسل جدید بنی‌اسرائیل را بیازماید و به آنان فرمود: با ساکنان ارض موعود بجنگند و با آنان ازدواج نکنند. اما آنها پس از یوشع، نافرمانی کردند و حتی بت‌پرست شدند. از این‌رو، هر بار چنین می‌شد خداوند آنان را مبتلا به اسارت و بیچارگی می‌کرد، و وقتی توبه می‌کردند، خداوند شخصی را به عنوان داور برای رهایی‌شان می‌فرستاد. این روش بارها تکرار شد و این چرخه ادامه داشت (همان، ص ۴۷).

در این سرزمین و برای ساکنان آن، اشکال دیگری نیز برای فرمان‌روایی مطرح شد (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۵). سرانجام، آنها پس از شکست در نبرد با فلسطینیان و غارت تابوت عهد، نیاز به یک پادشاه را احساس کردند. از این‌رو، از رهبران قوم، شخصی را برای مقام پادشاهی درخواست کردند (کوهن شربوک، ۲۰۰۳، ص ۳۸). خداوند نیز این درخواست را با کراهت پذیرفت و انتخاب آنان به *شائول* تعلق گرفت و خدا اینچنین اراده خود را با آخرین داور یعنی *سموئیل* در میان گذاشت (پیترز، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۹۵) که پس از «عیلی» به داوری برگزیده شده بود (بن‌سیسن، ۱۹۹۶، ص ۴۶۳). در زمان *سموئیل*، جنگی میان فلسطینیان و بنی‌اسرائیل رخ داد که در آن شکست خوردند. بزرگان قوم دریافتند که نبودن تابوت عهد در میان لشکر، موجب این شکست شده است. بدین‌خاطر، به شیله رفته، تابوت را آوردند. با ورود این تابوت و قرار گرفتن آن در جایگاه مخصوص، تمام بنی‌اسرائیل فریاد بلندی سر دادند، به حدی که زمین را تکان داد. این فریاد به گوش فلسطینیان رسید و آنها دانستند که تابوت عهد به بنی‌اسرائیل رسیده است. پس ترسیدند و در نبرد دیگری آن را به غنیمت بردند (بن‌سیسن، ۱۹۹۶، ص ۴۶۳؛ الیاس، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۲۱۶). همان‌گونه که در گذشته و در زمان داوری «عیلی یا عیسی» نیز صندوق عهد را غصب کرده بودند (ولپسی کلاپرمن، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۲). اما حضور تابوت در میان آنها، مشکلات فراوانی به‌وجود آورد (الیاس، ۲۰۰۸، ج ۳، ص ۲۱۶) و آنها

عبور داده می‌شود. هنوز هم بعضی از سربازان اسرائیلی طومارها را در صندوقچه‌ای با خود به میدان جنگ می‌برند. صندوقچه‌ای که بر روی آن نوشته شده است: «خدایا، برخیز و دشمنان خود را پراکنده کن و بگذار دشمنان از برابر تو بگریزند» (مسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۲۳۶-۲۳۷).

مقایسه تابوت عهد در قرآن و تورات (الف) شباهت‌ها

۱. هریک از این دو منبع دینی، دو لوح سنگی مشتمل بر ده فرمان الهی را جایگزین الواح اولیه می‌داند که حضرت موسی علیه السلام به سبب ارتداد بنی‌اسرائیل، آنها را از شدت عصبانیت، شکست. به این مطلب در آیه ۱۵۴ سوره اعراف، سفر «تثنیه»، باب ۱۰ و سفر «خروج»، باب ۳۴ اشاره شده است. تنها این تفاوت وجود دارد که قرآن لفظ «الواح» را که جمع است، به کار برده، اما تورات از دو لوح سخن گفته است.

۲. از لحاظ اندازه و جنس این تابوت نیز تقریباً نظر مشابهی میان قرآن و تورات وجود دارد. تعدادی از مفسران مسلمان طول و ارتفاع آن را ۱/۵ و عرض آن را ۲/۵ ذراع و جنس آن را هم از چوب شمشاد دانسته‌اند. برخی نیز طول آن را ۳ و عرضش را ۲ ذراع گفته‌اند. در تورات آمده که عرض و ارتفاع این تابوت ۱/۵ و طول آن ۲/۵ ذراع و جنس آن از چوب اقاویا بوده است.

۳. یکی دیگر از نقاط اشتراک این دو کتاب مقدس دینی این است که هر دو منبع، دست زدن به تابوت عهد را گناه به حساب می‌آورد. همچنین در ارتباط با حمل و حفاظت این تابوت توسط فرشتگان و حرکت دادن آن در مقابل لشکر در هنگام جنگ برای قوت قلب و پیروزی، نظر یکسانی دارند.

۴. در باب مفهوم «سکینه» نیز دیدگاه این دو متن دینی نزدیک به نظر می‌رسد. تورات، آن را تجلی و حضور خداوند در میان مردم و اعلام مشیت او از میان فرشتگان نصب شده بر روی تابوت می‌داند؛ و قرآن آن را نوعی آرامش و استقرار نفس معرفی می‌کند که چیزی شبیه دعاها و حرزهای مأثور است. ناگفته نماند که برخی مفسران مراد از این واژه را «علم، وقار و اخلاص» دانسته‌اند. برخی نیز آن را «روح و رحمت خدا» می‌دانند که سخن می‌گوید و بدین‌سان اختلاف این قوم را رفع می‌کند.

مؤکد شریعت را برپا کردند که در این میان، انتقال تابوت عهد به اورشلیم و محکم نمودن هیكل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود (احمد، ۱۹۹۸، ص ۲۰۴).

با رواج فساد و بی‌بندوباری نسبت به شریعت و عمل نکردن به نصایح انبیاء، در سال ۵۸۶ ق.م نبوکدنصر (بختنصر) به اورشلیم یورش برد و شهر و معبد را نابود و با خاک یکسان کرد (اپستاین، ۱۳۸۵، ص ۵۷). در نتیجه تابوت عهد نیز مفقود شد و دیگر اثری از آن باقی نماند. پس از مفقود شدن تابوت، که بالطبع از میان رفتن نسخه اصلی تورات را به همراه داشت، در قرن‌های بعد، کاهنان و مشایخ بنی‌اسرائیل برای حفظ مبانی دینی یهودیت کوشیدند. تلاش افرادی همچون عزرا در همین زمینه صورت گرفته است. او در سال ۳۹۲ ق.م کتابی را در خرابه‌های معبد پیدا کرد و ادعا نمود که این همان تورات حضرت موسی علیه السلام است و بنی‌اسرائیل هم آن را پذیرفتند و به عنوان متن دینی خود برگزیدند (اسماعیل، ۲۰۰۹، ص ۱۴۸).

حفاری‌های اخیر رژیم صهیونیستی در اطراف مسجدالاقصی نیز برای یافتن تابوت عهد و به طبع آن، نسخه اصلی تورات است. آنها معتقدند که تابوت در نقطه‌ای از معبد سلیمان قرار دارد، درحالی‌که بنابر روایات اسلامی، این صندوق در اختیار امام زمان علیه السلام است و با ظهور ایشان، به بنی‌اسرائیل باز خواهد گشت (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۳۸؛ نعمانی، ۱۴۱۸ ق، ص ۳۳۶؛ صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۷۶). این تابوت برهان و نشانه‌ای از سوی حضرت برای پیروی و اطاعت یهودیان نسبت به ایشان است؟ همان‌گونه که نشانه‌ای برای پادشاهی و فرمان‌روایی طالوت در دوران‌های گذشته بوده است.

امروزه تابوت عبارت است از: صندوقی چوبی که در آن اسفار پنج‌گانه حضرت موسی علیه السلام قرار دارد و در معبد نگهداری می‌شود. این صندوقچه فقط در مناسبت‌های عمومی باز می‌شود. پس از اسفار پنج‌گانه، تابوت عهد مقدس‌ترین چیز در کنیسه به‌شمار می‌رود و مورد بسیار احترام است. تابوت در جایی رو به بیت‌المقدس جاسازی می‌شود.

به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها آداب و رسوم مربوط به تابوت عهد را، که عبرانیان باستان در آن دو لوح شریعت و عهد را نگه می‌داشتند، زنده کرده‌اند. البته آنها به این آداب، مفهومی نظامی بخشیده‌اند؛ زیرا این طومارهای حاوی اسفار پنج‌گانه در مراسم نظامی ارتش اسرائیل از میان دو صف از افراد اسلحه به دست

ب) تفاوت‌ها

۱. سرنوشت تابوت عهد از منظر تورات، معلوم نیست و قایل به مفقود شدن آن پس از تخریب معبد سلیمان در سال ۵۸۶ ق.م است؛ اما با وجود سکوت قرآن نسبت به این موضوع، براساس برخی روایات اسلامی، این تابوت نزد امام زمان علیه السلام است و نشانه‌ای برای منصوب بودن آن حضرت از جانب خداوند بوده که با ظهور ایشان نمایان خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۳۶).

۲. از دیدگاه بیشتر مفسران قرآن، تابوت عهد همان صندوقی است که مادر موسی علیه السلام او را در آن نهاد و به دریا افکند؛ اما تورات این نظر را نمی‌پذیرد و قائل به تفکیک میان این دو صندوق است.

۳. برخی از کتب تفسیر قرآن، تابوت عهد را فرود آمده از بهشت در زمان هبوط آدم علیه السلام می‌دانند که صورت پیامبران در آن نقش بسته بود و از پیامبری به پیامبر بعدی می‌رسید. برخی نیز آن را ساخته خود حضرت موسی علیه السلام و به فرمان خدا می‌دانند. اما تورات حضرت موسی علیه السلام را سازنده این تابوت می‌داند که به دستور وی، صنعتگر ماهر و توانایی به نام *بصلتیل* آن را ساخت.

۴. از دیدگاه مفسران قرآن، این تابوت شامل پاره‌های الواح، زره، عصا و لباس‌های حضرت موسی علیه السلام، نشانه‌های پیامبران پیشین، نعلین و کفش‌های موسی، عمامه و قبای هارون، مقداری از غذای بنی‌اسرائیل در بیابان سینا (من) و «کلمة الفرج» است. این در حالی است که تورات فقط دو لوح سنگی مشتمل بر ده فرمان الهی، عصای هارون و «من» را از محتویات این تابوت می‌داند.

از نظر تورات، این تابوت در خیمه‌ای به نام «خیمه عهد» قرار داشته که مکانی برای تکلم خداوند با حضرت موسی علیه السلام بوده و هنگامی که حضرت موسی علیه السلام قصد سخن گفتن با خدا را داشته، وارد این خیمه می‌شده است.

امروزه تابوت عهد صندوقی است که اسفار پنج‌گانه در آن قرار دارد و در معابد و کنیسه‌ها نگه‌داری می‌شود. اسرائیلی‌ها آداب و رسوم آن را زنده کرده‌اند و به آن مفهومی نظامی بخشیده‌اند؛ به این صورت که در جنگ‌ها آن را از میان سربازان عبور می‌دهند و به سبب آن، طلب پیروزی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که ذکر شد، می‌توان گفت: قرآن و تورات در ارتباط با

تابوت عهد دیدگاهی نزدیک به هم دارند و تنها در برخی جزئیات با هم اختلاف نظر دارند؛ اما در کلیات این موضوع دیدگاه یکسانی دارند؛ از جمله اینکه هریک از این دو منبع دینی، تابوت عهد را نشانه‌ای برای منصوب بودن حکومت طالوت (سائول) از سوی خدا می‌داند و آن را سبب ایجاد وحدت، آرامش و امنیت بنی‌اسرائیل معرفی می‌کند که این ویژگی در جنگ‌های این قوم با دشمنانشان بیش از همه، نمایان می‌شود.

قرآن تنها در جریان به حکومت رسیدن طالوت و به دنیا آمدن حضرت موسی علیه السلام از این تابوت سخن به میان آورده است و همین موجب شده که بسیاری از مفسران قرآن، این دو تابوت را یکسان تلقی کنند. اما تورات میان این دو صندوق تفاوت قایل است و آن دو را از یکدیگر متمایز می‌داند.

.....منابع

اوسى، محمدبن عبدالله، *بی‌تا، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و سبع المثانی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

آبادانی مبلغی، بی‌تا، *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، تهران، حر.

ابن فارس، احمدبن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم، ادب‌الحوزه.

ایستاین، ایزیدور، ۱۳۸۵، *یهودیت؛ بررسی تاریخی*، ترجمه بهزاد سالکی، چ دوم،

تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

احمد، محمدخلیفه حسن، ۱۹۹۸م، *تاریخ الدیانه اليهودیه*، قاهره، دار قباء للطباعه

والنشر والتوزیع.

اسماعیل، حاتم، ۲۰۰۹م، *الأدیان الکبری قبل الإسلام*، بیروت، امجاد.

انصاری قرطبی، محمدبن احمد، ۱۳۷۶ق، *الجامع لأحكام القرآن*، طهران، ناصر

خسرو.

انیس، ابراهیم و دیگران، ۱۴۰۸ق، *المعجم الوسیط*، چ سوم، تهران، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی.

بلاغی، محمدجواد، ۱۴۳۱ق، *موسوعه العلامه البلاغی*، اشراف علی‌اوسط الناطقی،

ط. الثانية، قم، المركز العالی للعلوم و الثقافه الإسلامیه.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۳۸۸ق، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، چ دوم، مصر،

مروی.

پیترز، اف. ائی، ۱۳۸۴، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم،

مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان.

- تور کمانی، العمادحسن، ۲۰۰۵م، *اليهوديه بين الايديولوجيه والسياسه*، دمشق، مركز الدراسات الإستراتيجية.
- جادمولى، محمداحمد، ۱۳۷۹م، *قصه‌های قرآن*، ترجمه مصطفی زمانی، قم، پژوهش‌اندیشه. جوادى آملی، عبدالله، ۱۳۸۷م، *تسنیم*، چ دوم، قم، اسراء.
- رازى، ابوالفتوح، بی‌تا، *تفسیر روض الجنان و روح الجنان*، تهران، اسلامیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق، *المفردات فی غریب القرآن*، چ دوم، تهران، دفتر نشر کتاب.
- رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۸۶م، *تاریخ انبیاء*، چ نوزدهم، قم، بوستان کتاب.
- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۹م، *در قلمرو وجدان*، تهران، علمی.
- زمخشری، محمودبن عمر، بی‌تا، *أساس البلاغه*، تحقیق عبدالرحیم محمود، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سیدقطب، ۱۳۸۶ق، *فی ظلال القرآن*، چ پنجم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور*، قم، منشورات مکتبه آیةالله العظمی المرعشی النجفی.
- شبر، سیدعبدالله، بی‌تا، *تفسیر القرآن الکریم*، چ دوم، قم، دارالهیجره.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۳۸۹م، *معانی الأخبار*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، ارمغان طوبی.
- صفار، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*، چ دوم، قم، منشورات مکتبه آیةالله العظمی المرعشی النجفی.
- طاهری آکردی، محمدحسین، ۱۳۹۰م، *یهودیت*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴م، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۵م، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- ____، ۱۴۱۵ق، *تفسیر جوامع الجامع*، تحقیق ابوالقاسم گرجی، چ چهارم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، سیدعبدالحسین، ۱۳۷۴م، *أطیب البیان*، چ دوم، تهران، اسلام.
- عبدالملک، جون الکساندر، ابراهیم مطر، ۱۹۹۵م، *قاموس الكتاب المقدس*، چ دهم، مصر، دارالتقافه.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، بی‌تا، *تفسیر نورالتقلین*، چ دوم، قم، اسماعیلیان.
- عمادزاده، حسین، ۱۳۷۴م، *تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم و قصص قرآن*، تهران، اسلام.
- عید، یوسف، ۱۹۹۸م، *الدیانة اليهودیه*، بیروت، دارالفکر اللبنانی.
- فتاح، عرفان عبدالحمید، ۱۹۹۷م، *اليهوديه عرض تاريخي والحركات الحديثه فی اليهوديه*، عمان، دار عمار.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق، *العین*، قم، اسوه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، *تفسیر القمی*، تحقیق سیدطیب موسوی جزایری، قم، مؤسسه دارالکتب.
- ____، ۲۰۰۹م، چ پنجم، انتشارات ایلام.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۹م، *اصول کافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ____، ۱۴۲۳ق، *بحار الأنوار*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- مسیری، عبدالوهاب، ۱۳۸۳م، *دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم*، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های تاریخ خاورمیانه، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰م، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، بی‌تا، *الإرشاد*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، بی‌تا، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی بجنوردی، کاظم، ۱۳۸۵م، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- مهدوی، یحیی، ۱۳۶۵م، *قصص قرآن*، چ سوم، تهران، خوارزمی.
- مهرین شوشتری، عباس، بی‌تا، *فرهنگ لغات قرآن*، چ سوم، بی‌جا، دریا.
- ناس، جان، ۱۳۹۰م، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، چ بیستم، تهران، علمی و فرهنگی.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم، ۱۴۱۸ق، *الغیبه*، ترجمه محمدجواد غفاری، چ دوم، تهران، صدوق.
- ولیبی کلاپرمن، ژیلبرت، ۱۳۷۴م، *تاریخ قوم یهود*، ترجمه مسعود همتی، تهران، نیکو.
- ویر، رابرت و دیگران، ۱۳۷۴م، *جهان مذهبی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- هاکس، جیمز، ۱۳۷۷م، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.
- الیاس، سلیم، ۲۰۰۸م، *الموسوعه الكبرى للمذاهب والفرق والأديان*، بیروت، مرکز الشرق الأوسط الثقافی.
- Ben Sasson, Haim Hillel, 1996, "History", in: *Encyclopedia Judaica*, V.3, Jerusalem, Keterpress Enterprises.
- Cohn-Sherbok, Dan, 2003, *Judaism: History, Belief and Practice*, London, Routledge.